



بهترین تیم تاریخ

نگاهی به کارنامه تیم ملی از ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۷ که بر قله تاریخ نشسته است...

داد سکوه‌ای امجدیه آتش غضب داشت و منتظر وقوع جرقه‌ای بود. همان لحظه‌ها همایون سرطلایی که به خاطر مصدومیت روی نیمکت نشسته بود برای جلب محبت تماشاگران خود را گرم کرد اما بیاتی که از این اداها بدش می‌آمد و حاضر نبود به تماشاگر باج بدهد به همایون گفت: «بگیر بشین. از جات تگون نخور.» همایون اخم و تخم دارد. گل اسرائیل بدفرم همه را چزانده است. گروه‌های سیاسی که برای جشن بعد از قهرمانی برنامه ریخته‌اند کل حساب کتاب‌شان به هم ریخته است. سرهنگ مصطفی مکرری رئیس فدراسیون که قول قهرمانی به مقامات بلندپایه داده است به بیاتی ندا می‌دهد که همایون رو بفرست بره تو محمودآقا. بیاتی می‌گوید هنوز موقعش نرسیده جناب سرهنگ اما فوتبال لبریز از وقایع بداهه سرایانه است. به محض اخراج بازیکن اسرائیل، بیاتی همایون را به میدان می‌فرستد. همایون تا آخر عمرش می‌گوید: «به جان شما ده تا آمپول زدم تا درد را فراموش کنم.» «دقیقه ۷۵ امجدیه از گل اول ایران به پا خاسته است و در آن شلوغی هرگز

چریک‌های دهه چهل خاطراتی از این بازی مهم خوانده‌اید که بعد از پیروزی در امجدیه چگونه به خیابان‌ها می‌آیند و شعارهای ضدصهیون می‌دهند یا برخی مراکز وابسته به آن دولت را آتش می‌زنند. لایذ خاطرات اکبر افتخاری را شنیده‌اید که چنان از پیروزی مست است که یادش می‌رود گفش رسمی ببوشد و با دمپایی به کافه مرکز جشن تیم ملی می‌رود. این پیروزی درخشان از آن نظر در لایه‌های بالای حکومتی نیز دلچسب به نظر می‌رسد که فوتبالیست‌ها برای اولین بار با سری بالا به مجلس و کاخ شاهی می‌روند و هدیه‌ها می‌گیرند و البته آوازه‌خوانان بزرگ مملکت نیز برای قهرمانی آنها ترانه‌هایی می‌خوانند که تا سال‌ها ورد زبان امجدیه‌نشینان بود. یکی می‌خواند «دل تپد از بازی‌تان، اشک من از دیده روان، گل زدی ای قهرمان.» و دیگری آواز سر می‌دهد: «پشت بدین به پشت هم همدیگر رو داشته باشیم، وقتی بازی شد تموم سه‌چهار تا گل کاشته باشیم». آن روز وقتی اشپیگل ستاره ۲۱ ساله اسرائیلی که بعدها به کل المپیک لیون پیوست توپ را درون دروازه عزیز جا

ایران از دیگر اتفاقات مهم این دوره است. به چنین تیمی اضافه کنید ریاست کنفدراسیون فوتبال آسیا و کشاندن مقر آن به تهران را و البته داوطلبی نافرجامش برای میزبانی جام جهانی و المپیک و دعوت ستاره‌هایش به تیم منتخب جهان.

جام ملت‌های آسیا ۱۹۶۸

هنوز طعم قهرمانی آسیا در جام ملت‌های ۱۹۶۸ از زیر زبان نسل‌های قدیم نرفته است. تیم محمودآقا بیاتی به رهبری حسن آقا حبیبی تمام بازی‌هایش را برد. مخصوصاً آن فینال تاریخی دلنشین در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۴۷ را که پیروزی‌اش بر اسرائیل تمام اقشار مردمی حتی غیرفوتبالی را به جشن و پایکوبی کشاند. شاید این نخستین بار است که فوتبال قشر مذهبی ایران که تاکنون به فوتبال به عنوان وسیله‌ای کافرانه نگاه می‌کند را با خود آشتی می‌دهد. لایذ در خاطرات شفاهی مبارزان و



ابراهیم افشار

Ebrahim Afshar

بهترین تیم ملی فوتبال تاریخ ایران در سده اخیر تیم ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۷ است. لیست افتخاراتش چنان باشکوه است که در سده آینده هم غیرقابل تحقق به نظر می‌رسد: قهرمان سه دوره جام ملت‌های آسیا (۷۶-۷۲-۱۹۶۸)، قهرمان بازی‌های آسیایی (۱۹۷۴ تهران)، اولین راهیابی به جام جهانی (۱۹۷۸) و صعود به دو المپیک ۱۹۷۲ مونیخ و ۷۶ مونترال. تیم ملی این دهه همچنین در دو تورنمنت بین‌المللی بسیار مهم پاری سن ژرمن و رئال مادرید درخشیده و در جام جهانی کوچک (برزیل) نیز حضور یافت. قهرمانی ۴ دوره جام جوانان آسیا چنان رکورد غریب و عجیبی است که غیرقابل تکرار به نظر می‌رسد. همچنین قهرمانی سه جام عمران منطقه‌ای، جام کوروش و جام